

ویژگی‌های «صراط مستقیم» در قرآن

محمد محمدی ری شهری^۱

چکیده

صراط مستقیم، تعبیری دیگر از راه پرستش خداوند است. این بدان معناست که ویژگی‌های مذکور برای عبادت خدا بر صراط، منطبق است. همچنین خصوصیات برنامه‌هایی که خداوند با عنوان شریعت و دین برای انسان‌ها فرستاده است تا آنها درست و زیبا او را بپرستند و بندگی کنند، بر صراط مستقیم نیز صادق است. این ویژگی‌ها را در این مقاله برشمرده‌ایم که عبارت‌اند از: مطابقت با موازین عقلی، حق‌مداری، میانه‌روی و گستردگی، روشنی و یگانگی راه. برخی پیامدهای هر یک از صفات را نیز برشمرده‌ایم و در پایان و به مناسبت یگانگی راه، به مسئله تکثر دینی و تفاوت «صراط» و «سبیل» پرداخته‌ایم.

کلیدواژه‌ها: صراط مستقیم، سبیل الهی، میانه‌روی، راه روشن خدا، حق‌مداری، وحدت راه.

درآمد

صراط مستقیم به عنوان راه کامیابی در زندگی و تکامل حقیقی، از سوی خداوند به بشر، هدیه و به وسیله فرستادگان الهی، نمایانده شده است. این راه درست و راست را تنها می‌توان با ویژگی‌های آن شناخت و از راه‌های باطل و بیراهه‌های گمراهی، تشخیص داد. در این مقاله، بر آنیم که پس از روشن شدن معنا و مقصود از صراط مستقیم، با بهره‌گیری از رهنمودهای قرآن و حدیث، توضیح

۱. رئیس پژوهشگاه و دانشگاه قرآن و حدیث.

دھیم راہ راست الہی، چہ ویژگی‌هایی دارد و مهم‌ترین شاخصه‌های شناخت برنامه‌هایی کہ خداوند سبحان برای تکامل بشر یا همان عبادت و پرستش خدا ارائه کرده است، چیست؟
پیش از پاسخ به این سؤال، توجّہ به دو نکته ضروری است:

نخست آن کہ عبادت، تنها به معنای نماز، روزه، حج و امثال آنها نیست؛ بلکه مقصود از آن، خضوع در برابر همه برنامه‌هایی است کہ خداوند سبحان به وسیله پیامبران به انسان، ابلاغ کرده است.

دوم با در نظر گرفتن این معنا کہ صراط مستقیم الہی، عبادت به معنای عامّ آن است، همه ویژگی‌هایی کہ در قرآن و حدیث، برای عبادت ذکر شده، ویژگی‌های صراط مستقیم نیز محسوب می‌شود.

همچنین ویژگی‌های عناوینی مانند: ویژگی‌های دین، و یا سیره و سنت پیامبر ﷺ کہ حاکی از پیام‌های انبیا هستند، مشخصات صراط مستقیم نیز هست.

اینک مهم‌ترین مشخصات صراط مستقیم، با توجّہ به آیات و روایات، ارائه می‌شود:

۱. مطابقت با موازین عقلی و علمی

اصلی‌ترین ویژگی‌های صراط مستقیم الہی، هماهنگی با عقل، علم و حکمت است. به سخن دیگر، راهی کہ انبیا برای رسیدن به کمالات انسانی ارائه کرده‌اند و برنامه‌هایی کہ انبیا از جانب خداوند سبحان برای زندگی فردی و اجتماعی انسان آورده‌اند، منطبق با موازین عقلی و علمی است و از این رو، قرآن کریم، تصریح می‌فرماید کہ دانشمندان، آنچه بر پیامبر ﷺ نازل شده را حقّ و درست می‌دانند:

﴿وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَيَهْدِي إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ (سبأ: ۶).﴾

کسانی کہ به ایشان علم داده شده، آنچه را از سوی پروردگارت بر تو نازل شده، حقّ می‌دانند و به راه خداوند عزیز و حمید، هدایت می‌کند.

و در آیه دیگر آمده :

﴿وَلِيُعَلِّمَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (حج: ۵۴).﴾

و [نیز] هدف این بود کہ آگاهان بدانند این، حقّی است از سوی پروردگارت و در نتیجه به آن ایمان بیاورند و دل‌هایشان در برابر آن، خاضع گردد و خداوند، کسانی را کہ ایمان آورده‌اند، به صراط مستقیم، هدایت می‌کند.

نکته قابل تأمل این که در این دو آیه، انطباق آورده‌های اعتقادی، اخلاقی و عملی پیامبر ﷺ از جانب خداوند سبحان، با موازین عقلی و علمی به گونه‌ای دقیق و زیبا، با هدایت به صراط مستقیم الهی پیوند خورده است.

جایگاه عقل در فلسفه بعثت انبیا

کلینی رحمته الله علیه از امام کاظم رحمته الله علیه روایت کرده که در باره فلسفه بعثت انبیا می‌فرماید:

مَا بَعَثَ اللَّهُ أَنْبِيَاءَهُ وَرُسُلَهُ إِلَى عِبَادِهِ إِلَّا لِيَعْقِلُوا عَنِ اللَّهِ، فَأَحْسَنُهُمْ اسْتِجَابَةً أَحْسَنُهُمْ مَعْرِفَةً، وَ أَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ أَحْسَنُهُمْ عَقْلاً، وَ أَكْمَلُهُمْ عَقْلاً أَرْفَعُهُمْ دَرَجَةً فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ (کلینی، ۱۳۶۵ ش، ج ۱ ص ۱۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱ ص ۱۳۶).

خداوند، پیامبران و فرستادگانش را به سوی بندگانش برنینگیخت جز برای آن که معرفت را از خدا بگیرند، پس هر کس معرفت بیشتری داشته باشد، به دعوت آنان، بهتر پاسخ داده است.

در این روایت به چهار نکته دقیق در باره انطباق برنامه‌های انبیا با موازین عقلی و علمی اشاره شده:

۱. فلسفه بعثت انبیا، شکوفا سازی نیروی عقل در وجود انسان است، چنان که امام علی رحمته الله علیه نیز در این باره فرموده:

يُشِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ (سید رضی، ۱۳۹۵، الخطبة ۱).

[حکمت بعثت] آشکار ساختن گنجینه‌های خرد برای انسان‌هاست.

بنا بر این، پیامبران در اولین گام در راه به انجام رساندن رسالت الهی، نیروی تعقل و تشخیص حقایق را در انسان، تقویت می‌کنند:

مَا بَعَثَ اللَّهُ أَنْبِيَاءَهُ وَ رُسُلَهُ إِلَى عِبَادِهِ إِلَّا لِيَعْقِلُوا عَنِ اللَّهِ.

۲. میزان پذیرش دعوت انبیا و پیروی از آنان، با میزان معرفت و رشد عقلی مردم، ارتباط مستقیم دارد. هر کس از معرفت بهتری برخوردار باشد، نیکوتر دعوت انبیا را می‌پذیرد: «فأحسنهم إجابةً أحسنهم معرفةً».

۳. میزان خردمندی انسان، علم و معرفت او نسبت به معارف دینی است. هر کس حقایق دینی را بهتر بداند، از عقل بهتری برخوردار است: «و أعلمهم بأمر الله أحسنهم عقلاً».

۴. میزان کمالات دنیوی و اخروی انسان، بستگی به میزان عقل او دارد. هر کس با پیروی از مکتب انبیا، عقل خود را کامل تر کند، به قلّه کمالات انسانی نزدیکتر خواهد شد: «وأكملهم عقلاً أرفعهم درجة في الدنيا والآخرة».

همه این نکات، حاکی از آن است که راه راستی که انبیا برای زندگی انسان ارائه کرده‌اند و برنامه‌ای که برای سعادت بشر آورده‌اند، کاملاً منطبق با موازین عقلی و علمی است، و اگر کمترین ناهماهنگی در این زمینه وجود داشت، تلاش‌های انبیا برای رشد عقلی و علمی جامعه، نتیجه عکس می‌داد و نسبت رشد عقلی و علمی جامعه با میزان پیروی از انبیا و پذیرش معارف دینی، معکوس بود و تأکید بر نقش خرد، در کمالات دنیوی و اخروی معنا نداشت.

جایگاه عقل در رسیدن به قلّه تکامل

می‌توان گفت: جالب‌ترین تعبیر و جامع‌ترین سخن در تبیین نقش عقل در پیمودن صراط مستقیم الهی و رسیدن به قلّه کمالات انسانی، سخنی است که در نهج البلاغه از امام علی علیه السلام نقل شده که در توصیف سالک به سوی خدای سبحان می‌فرماید:

قَدْ أَحْيَا عَقْلَهُ، وَ أَمَاتَ نَفْسَهُ، حَتَّى دَقَّ جَلِيلُهُ، وَ لَطَفَ غَلِيظُهُ وَ بَرَقَ لَهُ لَامِعٌ كَثِيرٌ
الْبَرْقِ، فَأَبَانَ لَهُ الطَّرِيقَ، وَ سَلَكَ بِهِ السَّبِيلَ، وَ تَدَافَعَتْهُ الْأَبْوَابُ إِلَى بَابِ السَّلَامَةِ، وَ
دَارَ الْإِقَامَةِ، وَ تَبَتَّتْ رِجْلَاهُ بِطُمَأْنِينَةٍ بَدَنِهِ فِي قَرَارِ الْأَمْنِ وَ الزَّاحَةِ، بِمَا اسْتَعْمَلَ قَلْبَهُ، وَ
أَرْضَى رَبَّهُ (سید رضی، ۱۳۹۵، الخطبة ۲۲۰، مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۹ ص ۳۱۶).

[سالک،] خردش را زنده گردانید و نفسش را میرانید تا پیکر ستبرش لاغر شد و دل سختش به لطافت گرایید. فروغی سخت روشن، بر او تابید و راهش را روشن ساخت و او را به راه راست، روان داشت. درها او را به آستان سلامت و سرای اقامت رانند و به سبب آرامشی که در بدنش پدید آمده بود، پاهایش در قرارگاه ایمنی و آسایش، استوار ماند؛ زیرا دل خود را به کار واداشت و پروردگارش را خشنود ساخت.

بر پایه این سخن، زنده شدن نیروی عقل در وجود انسان، محرک اصلی سالک در پیمودن صراط مستقیم الهی و رسیدن به قلّه کمالات انسانی است و به هر اندازه که عقل در جان انسان قوت یابد، به همان اندازه، تمایلات نفسانی و شیطانی در او ضعیف می‌شود، تا آن جا که کاملاً از بین می‌رود و زمینه‌ای برای انجام کارهای ناشایست در وجود انسان، باقی نمی‌ماند. در این حال، عقل از حیات کامل برخوردار می‌گردد و زمام انسان را در سیر و سلوک، کاملاً به دست می‌گیرد، و او را از ابواب و منازل سلوک، عبور می‌دهد تا به سرمنزل مقصود - که درگاه سلامت است - و خانه اقامت - که قلّه تکامل است -، برسد:

﴿لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ﴾ (انعام: ۱۲۷).^۱

﴿فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ﴾ (قمر: ۵۵).^۲

چکیده سخن در باره انطباق برنامه‌های انبیای راستین با موازین عقلی و علمی این است که: همه آیات و روایاتی که در باره ارزش خرد وارد شده، و مردم را به خردورزی در همه امور دعوت کرده‌اند، (ر. ک: دانش‌نامه عقاید اسلامی: ج ۱). و همه آیات و روایاتی که در باره ارزش دانش است و مردم را به تحصیل علم و معرفت ترغیب نموده‌اند، (همان، ج ۲). و همه آیات و روایاتی که آسیب خرد، و موانع معرفت را بیان نموده‌اند (همان، ج ۱ و ۲). همگی دلیل روشنی بر عقلانی بودن برنامه‌های دینی و انطباق آنها با موازین عقلی و علمی است و از این زاویه، تفسیر و تبیین، یکی از ویژگی‌های صراط مستقیم الهی، بلکه اصلی‌ترین ویژگی آن است.

نکته‌ای که در پایان این بحث باید به آن توجه داشت، این است که انطباق برنامه‌های انبیا با موازین عقلی، بدین معنا نیست که عقل می‌تواند راز همه دستور العمل‌های الهی را کشف کند؛ زیرا این کار به دلیل احاطه نداشتن عقل به همه مصالح و مفاسد، خارج از توان آن است، بلکه مقصود، آن است که در دستور العمل‌های انبیا، چیزی که ضد عقل باشد، وجود ندارد و بر این اساس، گزارش‌های آنان را که عقل صد در صد نادرست تشخیص می‌دهد، منسوب به معتبر نیست و نمی‌تواند مبنای عمل قرار گیرد.

۲. مطابقت کامل با حق

برجسته‌ترین ویژگی «صراط مستقیم» - که حاکی از هماهنگی آن با موازین عقلی و علمی است - مطابقت کامل آن با حق است؛ یعنی راه درست زندگی، راهی است که کمترین انحرافی از حق ندارد. به عبارت دیگر، برنامه‌ای که برای زندگی انسان ارائه می‌شود، به هر میزان که از حق فاصله داشته باشد، به همان اندازه مورد پذیرش عقل و علم نیست.

بر این اساس، همه آیاتی که آنچه را بر پیامبر ﷺ نازل شده، حق توصیف کرده‌اند، اشاره به این خصوصیت «صراط مستقیم» دارند، مانند:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا﴾ (يونس: ۱۰۸).

۱. (برای آنها در بهشت، خانه امن و امان نزد پروردگارشان خواهد بود).

۲. (در جایگاه صدق نزد خداوند مالک مقتدر).

ای مردم! به یقین حق از سوی پروردگارتان آمد. پس هر که راه یابد، جز این نیست که به سود خویشتن، راه یافته است و هر کس گمراه شود، به زیان خود گمراه گردیده است».

این آیه شریف، همه برنامه‌هایی را که پیامبر ﷺ از جانب خداوند سبحان برای هدایت انسان آورده، راه حق و درست زندگی معرفی می‌نماید و به جهانیان اعلام می‌کند هر کس این راه را انتخاب کند، از برکات آن، بهره‌مند می‌شود و هر کس بیراهه را انتخاب نماید، زیان‌های گمراهی نصیب او خواهد شد.

این معنا در آیات متعددی با تعبیرهای مختلف، دیده می‌شود (ر.ک: رعد: ۱. نحل: ۱۰۲. فاطر: ۳۱، شورا: ۱۷)، مانند:

﴿وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ (کهف: ۲۹).﴾

بگو: «این، حق است از سوی پروردگارتان! هر کس می‌خواهد، ایمان بیاورد [و این حقیقت را پذیرا شود]، و هر کس می‌خواهد، کافر گردد».

در این جا، این نکته نیز قابل توجه است که کتابی که می‌خواهد راه درست زندگی را پیش روی جهانیان قرار دهد، باید از هر گونه تحریف و راه‌یابی باطل به آن، مصونیت داشته باشد:

﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ (فصلت: ۴۲).﴾

که هیچ گونه باطلی، نه از پیش رو و نه از پشت سر، به سراغ آن نمی‌آید؛ چرا که از سوی خداوند حکیم و ستوده شده، نازل شده است».

پیامدهای هماهنگی صراط مستقیم با حق

از منظر قرآن، مطابقت کامل صراط مستقیم زندگی با حق، دو نشانه مهم دارد:

۱. ایمان انسان‌های بینا

انسان، به طور فطری حق‌بین^۱، حق‌طلب و حق‌پذیر است.^۲ تنها کسانی حق را نمی‌بینند و با آن مخالفت می‌ورزند که آلودگی‌های اخلاقی و عملی، دیده عقل و قلب آنها را کور، و گوش دل آنها را کر، کرده باشد.

۱. ﴿فَالْهَمُّهَا فُجُورُهَا وَتَقْوَاهَا (شمس: ۸)؛ سپس فجور و تقوا (شز و خیرش) را به او الهام کرده است».
 ۲. ﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا (روم: ۳۰) پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسان‌ها را بر آن آفریده است».

مطابقت کامل برنامه‌ای که پیامبر خدا ﷺ، از جانب او برای زندگی انسان آورده است با حق، ایجاب می‌کند افرادی که فطرت پاک آنها آلوده نشده و حواس باطنی آنها سالم است، حق بودن آن را تشخیص دهند و به آن ایمان بیاورند:

﴿أَقْمَنُ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَىٰ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾
(رعد: ۱۹).

آیا کسی که می‌داند آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده، حق است، همانند کسی است که نابیناست؟! تنها صاحبان اندیشه متذکر می‌شوند.

این تعبیر لطیف و زیبا، بیانگر این واقعیت است که حقانیت برنامه‌هایی که پیامبر ﷺ از جانب خداوند سبحان آورده، به قدری روشن است که امکان ندارد چشم دل کسی بینا باشد و آن را تشخیص ندهد و یا نپذیرد.

این معنا با تعبیرهای دیگر، در آیات متعددی (ر. ک: سبأ: ۶ / قصص: ۵۳ / احقاف: ۳۰) دیده می‌شود، مانند:

﴿وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (حج: ۵۴).

و [نیز] هدف این بود که آگاهان بدانند این (قرآن)، حق است از سوی پروردگارت، و در نتیجه به آن ایمان بیاورند و دل‌هایشان در برابر آن، خاضع گردد و خداوند، کسانی را که ایمان آوردند، به سوی صراط مستقیم، هدایت می‌کند.

۲. جهانی شدن اسلام با پیشرفت علم و آگاهی

دومین نشانه مطابقت کامل صراط مستقیم زندگی با حق، این است که هر چه علم و آگاهی جامعه بشر بیشتر شود، گرایش به اسلام، بیشتر می‌شود. آیاتی که پیش‌بینی کرده‌اند دین اسلام در آینده بر همه ادیان غلبه می‌کند و جهان را فرا خواهد گرفت، به این معنا اشاره دارند، مانند:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾
(صف: ۹).

او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند، هر چند مشرکان، کراهت داشته باشند!

و هنگامی که جامعه بشر با ظهور امام مهدی علیه السلام در قلّه علم و آگاهی قرار گرفت، این وعده الهی تحقق خواهد یافت، چنان که در روایتی از امام حسین علیه السلام آمده:

مِنَّا اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا؛ أَوْلَهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَآخِرُهُمُ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِي وَهُوَ الْإِمَامُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ، يَحْيَى اللَّهَ فِي الْأَرْضِ بَعْدَ مَوْتِهَا، وَيُظْهِرُ بِهِ دِينَ الْحَقِّ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (صدوق، ۱۴۰۵، ص ۳۱۷؛ الطبرسی، ۱۴۱۷ق؛ الحلی، ۱۴۰۸ق، ص ۷۱) .

دوازده هدایت یافته، از ما هستند. نخستین آنان، امیر مؤمنان، علی بن ابی طالب است و آخرینشان، نهمین فرزند از نسل من است که حق را بر پا می‌دارد. خدا، زمین را پس از مردنش، به وسیله او زنده می‌کند و دین حق را به وسیله او بر همه دین‌ها غلبه می‌دهد، هر چند مشرکان را ناخوش آید.

۳. اعتدال

سومین خصوصیت صراط مستقیم، اعتدال و میانه‌روی است؛ یعنی: راه درست زندگی، برنامه‌ای معتدل، مناسب، به دور از افراط و تفریط است و پاسخگوی همه نیازهای مادی، معنوی، دنیوی و اخروی انسان در همه زمینه‌هاست و چنین برنامه‌ای، طبعاً مطابق حق و منطبق با موازین عقلی و علمی است.

در روایتی آمده که امام علی علیه السلام در تبیین «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» می‌فرماید:

فَأَمَّا الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ فِي الدُّنْيَا فَهُوَ مَا قَصَرَ عَنِ الْعُلُوِّ، وَارْتَفَعَ عَنِ التَّقْصِيرِ، وَ اسْتِقَامَ فَلَمْ يَعِدِلْ إِلَى شَيْءٍ مِّنَ الْبَاطِلِ (صدوق، ۱۳۶۱ ش، ص ۳۳).

صراط مستقیم در دنیا، همان راهی است که از افراط و تفریط، دور است. راه میانه است و به سوی باطل، اندک انحرافی ندارد.

و در روایتی دیگر از ایشان آمده:

الْيَمِينُ وَالشَّمَالُ مَضَلَّةٌ، وَالطَّرِيقُ الْوُسْطَى هِيَ الْجَادَّةُ، عَلَيْهَا بَاقِيَ الْكِتَابِ وَ آثَارُ النَّبُوَّةِ، وَ مِنْهَا مَنَفَذُ السُّنَّةِ، وَ إِلَيْهَا مَصِيرُ الْعَاقِبَةِ (سید رضی، ۱۳۹۵ق، الخطبة ۱۶).

راست و چپ، گمراهی است و راه وسط، همان راه اصلی است. کتاب خدا و سنت پیامبر به آن راهنماست و رسیدن به سنت و عاقبت نیکو، از این راه، میسر است.

بر این پایه، جامعه‌ای که در زندگی از برنامه‌ای معتدل و به دور از افراط و تفریط پیروی می‌کند، از

منظر قرآن کریم، «امت وسط» نامیده شده:

﴿ وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا (بقره: ۱۴۳).

و همان گونه [که برای شما قبله مستقل تعیین کردیم،] شما را امتی میانه (میان افراط و تفریط) قرار دادیم، تا شما [در روز قیامت] بر مردم گواه باشید و این پیامبر هم بر شما گواه باشد».

در این آیه، هدایت جامعه اسلامی به اعتدال و دوری از افراط و تفریط، به هدایت آنها در موضوع تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه، تشبیه شده و هر دو مورد از مصادیق هدایت الهی به صراط مستقیم شمرده شده است. در آیه قبل از آن در پاسخ به اعتراض کسانی است که می‌گویند: چرا قبله مسلمانان از بیت المقدس به کعبه تغییر یافته، آمده:

﴿سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّاهُمْ عَن قِبَلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا قُل لِّلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (بقره: ۱۴۲).

به زودی مردم کم‌خرد خواهند گفت: چه چیزی مسلمانان را از قبله‌ای که بر آن بودند (از بیت المقدس، به سوی کعبه) روی‌گردان کرد؟ بگو: مشرق و مغرب، از آن خداست. هر که را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند».

و در ادامه می‌فرماید: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا﴾. کلمه «کذلک (همچنین)»، در تشبیه چیزی به چیز دیگر به کار می‌رود. ظاهراً در این جا مقصود این است: همان طور که به زودی قبله را تغییر می‌دهیم تا به سوی صراط مستقیم هدایت کنیم، همچنین شما را امتی میانه قرار دادیم.

«وسط» به معنای چیزی است که میانه دو چیز قرار گرفته باشد، نه جزو آن طرف باشد و نه جزو این طرف. امت اسلامی نسبت به جوامعی که طرفدار مادیت محض و یا معنویت محض اند، جامعه میانه محسوب می‌شود (تفسیر المیزان، ذیل آیه یاد شده)؛ بلکه به طور کلی، پیروان راستین اسلام، کسانی هستند که در عقیده و اخلاق و عمل، نه تندرو هستند و نه کندرو، نه افراط می‌کنند و نه تفریط؛ بلکه در همه زمینه‌ها بر صراط مستقیم حق و اعتدال، حرکت می‌نمایند. در روایتی از پیامبر خدا ﷺ در تفسیر آیه یاد شده آمده:

الوسط، العدل (البخاری، ۱۴۱۰، ج ۵ ص ۱۵۱).

وسط یعنی میانه [و به دور از افراط و تفریط] (ر. ک: خلیل الجر، ۱۳۷۵ ش، ج ۲ ص ۲۱۷۹).

چنین امتی می‌تواند جامعه معیار در جهان باشد و بدین سان، قرآن، مسلمانان راستین را گواهان جهانیان نامیده است: ﴿لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ﴾. بدیهی است همه مدعیان اسلام، مصداق این آیه شریف نیستند؛ بلکه همان طور که اشاره شد، تنها پیروان واقعی اسلام، شاهد و الگوی کمالات

انسانی هستند و بی‌تردید، سرآمد آنها اهل بیت علیهم‌السلام هستند. از این رو، از امام باقر علیه‌السلام نقل شده که در تبیین آیه یاد شده می‌فرماید:

إِلَيْنَا يَرْجِعُ الْعَالِي، وَبِنَا يَلْحَقُ الْمُقَصِّرُ (العتاشی، ج ۱ ص ۶۳).

پیش‌تاخته، به سوی ما باز می‌گردد و بازمانده، به ما می‌پیوندد.

همچنین در روایتی از امام صادق علیه‌السلام آمده:

نَحْنُ الْأُمَّةُ الْوَسْطَى، وَنَحْنُ شُهَدَاءُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، وَحُجَّتُهُ فِي أَرْضِهِ (کلینی، ۱۳۶۵

ش، ج ۱ ص ۱۹۰).

ماییم آن امت میانه و ماییم گواهان خدا بر مردمان و حجت‌های او در زمین.

و نیز از امام علی علیه‌السلام نقل شده که فرمود:

نَحْنُ شُهَدَاءُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، وَحُجَّتُهُ فِي أَرْضِهِ، وَنَحْنُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ - جَلَّ اسْمُهُ - :

﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا﴾ (حسکانی، ۱۴۱۰، ج ۱ ص ۱۱۹).

ماییم گواهان خدا بر آفریدگانش و حجت او در زمینش، و ما همانانی هستیم که خداوند

متعال فرموده است: ﴿و این چنین، شما را امتی میانه گردانیدیم﴾.

همان‌طور که اشاره شد، این روایات در صدد محدود کردن مفهوم وسیع آیه نیستند؛ بلکه

مقصود، بیان مصداق‌های کامل امت نمونه و ارائه الگوهایی هستند که در صف مقدم قرار دارند و

دیگران را به صراط مستقیم الهی دعوت می‌نمایند و از انحراف به چپ و راست، برحذر می‌دارند؛

چنان که در نهج البلاغه در توصیف اهل ذکر از امام علی علیه‌السلام نقل شده که فرمود:

بِمَنْزِلَةِ الْأَدْلَةِ فِي الْقُلُوبِ، مَنْ أَخَذَ الْقَصْدَ حَمِدُوا إِلَيْهِ طَرِيقَهُ وَبَشَّرُوهُ بِالنَّجَاةِ، وَمَنْ أَخَذَ

يَمِينًا وَشِمَالًا ذَمُّوا إِلَيْهِ الطَّرِيقَ وَحَذَرُوهُ مِنَ الْهَلَاكَةِ (سیّد رضی، ۱۳۹۵، الخطبة ۲۲۲).

آنان به منزله راهنمایان در بیابان‌ها هستند. هرکه راه درست را در پیش گیرد، او را به رفتن

در آن راه، تشویق کرده، ستایش می‌کنند و نوید نجات به وی می‌دهند و هر که را به راست

و چپ منحرف شود، از کج‌راهه‌ای که در پیش گرفته، نکوهش می‌کنند و او را از هلاکت،

بر حذر می‌دارند.

بر این اساس، پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام آن بزرگوار در همه امور، میانه‌روی را رعایت

می‌کردند و دیگران را نیز به اعتدال و دوری از افراط و تفریط، دعوت می‌نمودند. امام علی علیه‌السلام در

توصیف زندگی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید:

سَيَرَّتْهُ الْقَصْدُ، وَسُنَّتُهُ الرُّشْدُ (سیّد رضی، ۱۳۹۵، الخطبة ۹۴).

رفتارش، میانه‌روی و اعتدال است و طریقه‌اش، راهنمایی و هدایت.

با توجه به خطری که از ناحیه افراط و تفریط، جامعه اسلامی را تهدید می‌کرد، بر پایه روایات متعددی پیامبر خدا ﷺ تأکید می‌فرمود که مسلمانان باید در همه امور، میانه‌روی و اعتدال را رعایت کنند و از تندروی و کندروی اجتناب نمایند. از جمله در روایتی از ایشان آمده:

أَلَا إِنَّ لِكُلِّ عِبَادَةٍ شِرَّةً ثُمَّ تَصِيرُ إِلَى فِتْرَةٍ، فَمَنْ صَارَتْ شِرَّةُ عِبَادَتِهِ إِلَى سُنَّتِي فَقَدْ اهْتَدَى، وَمَنْ خَالَفَ سُنَّتِي فَقَدْ ضَلَّ وَكَانَ عَمَلُهُ فِي تَبَابٍ، أَمَا إِنِّي أُصَلِّي وَأَنَا مُ وَأَصُومُ وَأُفْطِرُ وَأَضْحَكُ وَأَبْكِي، فَمَنْ رَغِبَ عَنِ مَنَاجِي وَ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي (کلبینی، ۱۳۶۵ ش، ج ۲ ص ۸۵).

هان! هر عبادتی را جوش و خروشی است که سرانجام، فروکش می‌کند. پس هر کس جوش و خروش عبادتش به سنت من آرام گیرد، هدایت شده است و هر که با سنت من مخالفت ورزد، گمراه شده و عملش بر باد رفته است. بدانید که من نماز می‌خوانم و می‌خوابم، روزه می‌گیرم و افطار می‌کنم، و می‌خندم و می‌گرییم. پس هر که از راه و سنت من روی گرداند، از من نیست.

همچنین در دعایی که برای امام عصر علیه السلام از امام رضا علیه السلام نقل شده، می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ اسْلُكْ بِنَا عَلَي يَدِيهِ مِنْهَاجَ الْهُدَى وَالْمَحَجَّةَ الْعُظْمَى وَالطَّرِيقَةَ الْوَسْطَى الَّتِي يُرْجَعُ إِلَيْهَا الْعَالِي وَيَلْحَقُ بِهَا الثَّالِي (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۵ ص ۳۳۲).

بار خدایا! ما را به دست او، سالک طریق هدایت و شاهراه [رستگاری] و راه میانه که تندرونده پیش افتاده، بدان بر می‌گردد و واپس مانده، به آن ملحق می‌شود، قرار ده.

بنا بر این، یکی از سیاست‌های اصولی مهدوی و یکی از ویژگی‌های برجسته جامعه آرمانی اسلام که به وسیله امام مهدی عجل الله فرجه تحقق خواهد یافت، اعتدال و میانه‌روی در همه زمینه‌های مدیریت سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است.

۴. وسعت

چهارمین ویژگی صراط مستقیم، وسعت و گستردگی آن است. دو آیه از آیات قرآن و روایات فراوانی از اهل بیت علیهم السلام بر این ویژگی دلالت دارند.

در ادامه تشریح وضو و غسل برای نماز و جایگزینی تیمم به جای آنها، آمده است:

﴿ مَا يَرِيْدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرْجٍ (مانده: ۶).

خداوند، نمی‌خواهد شما را در تنگنا قرار دهد.﴾

همچنین در پایان سوره حج، پس از طرح پنج دستور العمل، این ویژگی مهم صراط مستقیم، مورد تأکید قرار گرفته است:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا وَاَسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ * وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ (حج: ۷۷ و ۷۸).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، رکوع و سجود کنید و پروردگارتان را عبادت کنید و کار خیر انجام دهید، باشد که رستگار شوید * و در راه خدا، آن گونه که شایسته است، تلاش کنید، اوست که شما را [برای خود] برگزیده و در دین، شما را در تنگنا قرار نداده است *.

قرآن کریم در آیات یاد شده، پنج برنامه از برنامه‌هایی را که اسلام برای تکامل انسان ضروری می‌داند، ارائه می‌دهد که از مراحل ساده عبودیت، آغاز و به بالاترین مراتب آن، ختم می‌گردد. ابتدا سخن از رکوع و خم شدن در برابر آفریدگار هستی است، سپس سجود و به خاک افتادن در برابر او. پس از آن، عبادت خداوند سبحان به طور عام، مطرح می‌شود و در مرحله چهارم، مطلق کارهای نیک، مورد تأکید قرار می‌گیرد و در آخرین مرحله، از اهل ایمان می‌خواهد که در راه به انجام رساندن اوامر الهی، همه توان خود را به کار گیرند و آن گونه که شایسته مجاهدت در راه خداست، خالصانه تلاش کنند و از آن جا که ممکن است تصور شود اجرای این دستور العمل‌ها برای انسان توان فرساست، به چند نکته مهم اشاره فرموده است.

جمله ﴿ هو اجتباکم؛ او شما را برگزید ﴾، اشاره به نکته نخست است. یعنی برنامه‌های پنج‌گانه یاد شده، اختصاص به برگزیدگان خداوند سبحان دارد و شما نیز چون برگزیده الهی هستید، لازم است این دستور العمل‌ها را در زندگی اجرا کنید:

و جمله ﴿ وَ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ؛ در دین [اسلام] بر شما تنگی و دشواری ننهاد ﴾، به نکته دوم اشاره دارد؛ یعنی اجرای این برنامه‌ها برای شما توان فرسا نیست.

کلمه ﴿ حَرَجٍ ﴾ در این دو آیه به معنای ضیق و تنگناست. در روایتی از امام باقر علیه السلام نیز، در تبیین آیه نخست، «حَرَج» به «ضیق» تفسیر شده است (کلینی، ۱۳۶۵ ش، ج ۳ ص ۳۰ ح ۴). بر اساس این دو آیه، در مقررات الهی و برنامه‌های دینی، دستور العملی که مسلمانان را در تنگنا قرار دهد، وجود ندارد و به عبارت دیگر، صراط مستقیم الهی، ضیق و تنگنا نیست؛ بلکه وسیع و باز است، چنان که در روایتی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است:

الصراط المستقیم أوسع ممّا بین السماء والأرض (شهردار بن شیرویه، ۱۴۰۶ ق، ج ۲ ص ۴۱۹).

راه راست و درست، وسیع‌تر از فاصله میان آسمان و زمین است.

مقصود از تنگ نبودن راه دین و وسیع بودن صراط مستقیم، این است که اجرای مقررات دینی در زندگی، دشوار نیست؛ بلکه به دلیل هماهنگی دستور العمل‌های دینی با فطرت، انجام دادن آن، سهل و آسان است. این معنا در روایات فراوانی مورد تبیین و تأکید قرار گرفته است؛ مانند آنچه از پیامبر ﷺ نقل شده که فرمود:

إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ فَرَائِضَ وَ سُنَّ سُنَّنا ... وَ شَرَعَ الْإِسْلَامَ وَ جَعَلَهُ سَهْلًا وَ سَمِحًا وَاسِعًا، وَ لَمْ يَجْعَلْهُ ضَيْقًا (ابو یعلیٰ الموصلی، ۱۴۰۸، ج ۳ ص ۵۰).

خداوند، فریضه‌هایی را واجب کرد و سنت‌هایی را پایه نهاد... و دین اسلام را تشریح کرد و آن را آسان و راحت و وسیع، و نه تنگ، قرار داد.

در روایتی دیگر از امام علی علیه السلام آمده:

إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - شَرَعَ الْإِسْلَامَ وَ سَهَّلَ شَرَائِعَهُ لِمَنْ وَرَدَهُ (کلینی، ۱۳۶۵، ش، ج ۲ ص ۴۹، ر. ک: سید رضی ۱۳۹۵ الخطبة ۱۰۶).

خداوند - تبارک و تعالی - اسلام را تشریح کرد و راه‌های آن را برای وارد شوندگان، آسان ساخت.

همچنین از ایشان در تفسیر «بسم الله الرحمن الرحيم» نقل شده که می‌فرماید:

الرَّحْمَنُ الَّذِي يَرْحَمُ بِبَسْطِ الرَّزْقِ عَلَيْنَا، الرَّحِيمُ بِنَا فِي أَدْيَانِنَا وَ دُنْيَانَا وَ آخِرَتِنَا، خَفَّفَ عَلَيْنَا الدِّينَ وَ جَعَلَهُ سَهْلًا خَفِيفًا (محمدی ری شهری، ۱۳۸۸، ش، ج ۱۳ ص ۶۹).

بخشنده‌ای که با گستردن روزی، بر ما رحم می‌کند، مهربان با ما در دین و دنیا و آخرت‌مان؛ او که دین را بر ما سبک قرار داد و آن را سهل و آسان کرد.

بر این اساس، اطاعت از خداوند سبحان و اجتناب از گناهان، برای کسانی که فطرت پاک انسانی آنان آلوده نشده، آسان است. از امیر مؤمنان علیه السلام روایت است که فرمود:

اتَّقُوا مَدَارِجَ الشَّيْطَانِ وَ مَهَابِطَ الْعَدْوَانِ، وَ لَا تَدْخُلُوا بَطُونَكُمْ لَعْقِ الْحَرَامِ، فَإِنَّكُمْ بَعِينٌ مِنْ حَرَمِ عَلَيْكُمْ الْمَعْصِيَةِ، وَ سَهْلٌ لَكُمْ سَبِيلُ الطَّاعَةِ (سید رضی، ۱۳۹۵، ق، الخطبة ۱۵۱).

از [نخستین پله‌های] نردبام شیطان، پروا کنید و هم از پرتگاه‌های تجاوز لقمه‌های حرام را به شکمتان در نیاورید که شما در پیش دید همان کسی هستید که نافرمانی را بر شما حرام کرده و راه اطاعتش را برایتان آسان ساخته است.

گفتنی است آسان بودن انجام دادن برنامه‌های دینی، بیوند نزدیکی با سومین ویژگی صراط مستقیم، یعنی «اعتدال» دارد؛ بلکه می‌توان گفت: آسان بودن دین، یکی از نشانه‌های معتدل بودن آن

است. از این رو، در روایات اهل بیت علیهم السلام، سخت‌گیری بر خود در انجام دادن عبادات و برنامه‌های دینی، با تعبیرهای گوناگون، مذموم و محکوم شمرده شده است. در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده:

بُعِثْتُ بِالْحَنِيفِيَةِ السَّمْحَةِ، وَ مَنْ خَالَفَ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي (المتقى الهندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱ ص ۱۷۸).

من با دینی حق‌گرا و راحت، برگزیده شده‌ام و هر که با سنت و روش من مخالفت کند، از من نیست.

در نقل دیگری آمده:

بعثت إليكم بالحنيفية السمحة السهلة البيضاء (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۵ ص ۳۴۶).
من دینی حق‌گرا، راحت، آسان و روشن، برایتان آورده‌ام.

یکی از یاران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به نام عثمان بن مظعون، روزها روزه می‌گرفت و شب‌ها را به عبادت می‌گذراند و از این رو، توجهی به زندگی زناشویی و مسائل خانوادگی نداشت. روایت شده که همسرش موضوع را با پیامبر صلی الله علیه و آله در میان گذاشت. پیامبر صلی الله علیه و آله پس از شنیدن شکایت وی با خشم نزد عثمان آمد و دید مشغول نماز خواندن است. وی با دیدن پیامبر صلی الله علیه و آله نماز خود را سلام داد. پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به او فرمود:

يا عُثْمَانُ! لَمْ يَرِسْنِي اللَّهُ تَعَالَى بِالرَّهْبَانِيَّةِ، وَلَكِنْ بَعَثَنِي بِالْحَنِيفِيَّةِ السَّهْلَةِ السَّمْحَةِ،
أَصَوْمٌ وَأَصْلَى، وَالْمِسُّ أَهْلِي، فَمَنْ أَحَبَّ فِطْرَتِي فَلَيْسَتْ بِنِسَّتِي، وَ مِنْ سُنَّتِي النَّكَاحُ
(کلینی، ۱۳۶۵ ش، ج ۵ ص ۴۹۴، مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۲ ص ۲۶۴).

ای عثمان! خداوند متعال، مرا به رهبانیت نفرستاده؛ بلکه مرا با آیین یکتاپرستی سهل و ساده‌گیر، فرستاده است. من، هم روزه می‌گیرم و هم نماز می‌خوانم و هم با همسرم آمیزش می‌کنم. پس هر که آیین مرا دوست دارد، باید از سنت من پیروی کند و از جمله سنت من، نکاح کردن است.

در روایتی دیگر از ایشان آمده که فرمود:

إِيَاكُمْ وَ التَّعَمُّقَ فِي الدِّينِ، فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ جَعَلَهُ سَهْلًا، فَخُذُوا مِنْهُ مَا تُطِيقُونَ، فَإِنَّ اللَّهَ
يُحِبُّ مَا دَامَ مِنْ عَمَلٍ صَالِحٍ، وَ إِنْ كَانَ يَسِيرًا (على المتقى الهندی، ۱۴۰۹ق، ح ۵۳۴۸).
از افراط و تدروی در دین بپرهیزید؛ زیرا خداوند آن را آسان قرار داده است. پس، از دین، آنچه توانش را دارید، بگیرید؛ که خداوند، کار خوب مستمر را، هر چند اندک باشد، دوست دارد.

نتیجه آن که راه مستقیم الهی، گشاده، گسترده و مطابق با توانایی‌های انسان باایمان است و اسلام به عنوان برنامه پیمودن این راه، هیچ تنگنایی را برای بشر، ایجاد ننموده و مقررات آن به دلیل هماهنگی با فطرت، سهل و سبک‌بار است. کسانی که بر اساس ندای فطرت خود و اطاعت از خدای رحمان، معقولانه و خالصانه پا به این راه می‌نهند و از وسوسه و اغوای شیطان دوری می‌کنند و در انجام دادن عبادات و برنامه‌های دینی بر خود سخت نمی‌گیرند، از سنت پیام‌آور این دین پیروی نموده، به مسیر سعادت ابدی و صراط مستقیم، گام نهاده‌اند.

۵. وضوح و روشنی

پنجمین ویژگی صراط مستقیم، وضوح و روشنی است. همه آیاتی که دلالت دارند که دین ریشه در فطرت آدمی دارد، گواه این مدعاست، مانند:

﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا (روم: ۳۰).

پس روی خود را حق‌گرایانه، به سوی این دین فرا دار، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است.﴾

نیازی به توضیح نیست که معارف فطری، بدیهی و روشن است. بنا بر این، ادله فطری بودن دین، دلیل وضوح و روشنی صراط مستقیم نیز هست.

همچنین، همه آیاتی که دلالت دارند خداوند متان، به روشنی برنامه‌ها و مقررات دینی را بیان کرده، گواه دیگری بر وضوح و روشنی صراط مستقیم است؛ مانند:

﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ (بقره: ۲۵۶).

در دین هیچ اجباری نیست و راه از بیراهه به خوبی آشکار شده است.﴾

و اما روایاتی که حاکی از روشن بودن صراط مستقیم است، چند دسته‌اند :

۵ - ۱. ارائه راه روشن توسط خداوند سبحان

دسته اول، روایاتی است که دلالت دارند خداوند سبحان به روشنی راه حق و صراط مستقیم زندگی را به مردم ارائه کرده است؛ مانند آنچه از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود:

عِبَادَ اللَّهِ! اللَّهُ فِي أَعْرَ الْأَنْفُسِ عَلَيْكُمْ وَ أَحَبَّهَا إِلَيْكُمْ؛ فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ أَوْضَحَ لَكُمْ سَبِيلَ الْحَقِّ وَ أَنَارَ طُرُقَهُ، فِشِقْوَةِ لَازِمَةٍ، أَوْ سَعَادَةِ دَائِمَةٍ (ری شهری، ۱۳۸۵ ش، ج ۱۳ ص ۲۹۱).

ای بندگان خدا! از خدا بترسید و مراقب عزیزترین جان‌ها و محبوب‌ترین آنها نزد خود باشید؛ زیرا که خداوند، راه حق را برای شما آشکار ساخته و راه‌هایش را روشن

گردانیده است. از آن پس، یا بدبختی همیشگی [در انتظار شما] است و یا خوش بختی دائمی.

گفتنی است که روشنگری خداوند متعال، گاه از طریق فطرت است - چنان که اشاره شده - و گاه از طریق انبیا و اوصیای آنهاست. چنان که در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَوْضَحَ بِأَيِّمَةِ الْهُدَى مِنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّنَا عَنْ دِينِهِ، وَأَبْلَجَ بِهِمْ عَنْ سَبِيلِ مِثْلِهِ (کلینی، ۱۳۶۵ ش، ج ۱ ص ۲۰۳، النعمانی، ۱۴۲۲ ص ۲۲۴ ح ۷، مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲۵ ص ۱۵۰).

خداوند عز و جل با امامان هدایت که از خاندان پیامبر ما هستند، از دینش پرده برداشته و با آنها راه روشنش را آشکار نموده است.

۵-۲. روشن ترین راه زندگی

دسته دوم، روایاتی است که تصریح می کنند راهی که اسلام به جامعه معرفی کرده، روشن ترین راه زندگی است؛ مانند آنچه از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود:

إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - شَرَعَ الْإِسْلَامَ وَ سَهَّلَ شَرَائِعَهُ لِمَنْ وَرَدَهُ... فَهُوَ أَبْلَجُ الْمَنَاهِجِ وَ أَوْضَحُ الْوَلَاتِحِ (کلینی، ۱۳۶۵ ش، ج ۲ ص ۴۹۱، سید رضی، ۱۳۹۵، الخطبة ۱۰۶، شیخ مفید ۱۴۱۵ ق ص ۲۷۵).

خداوند - تبارک و تعالی -، شریعت اسلام را مقرر داشت و آبخورهایش را برای کسی که بخواهد بدان وارد شود، آسان و هموار ساخت. پس آن، روشن ترین راه و آشکارترین دستگیره است.

۵-۳. تجسم راه روشن

دسته سوم، روایاتی است که اهل بیت علیهم السلام را، راه روشن و صراط مستقیم نامیده اند؛ مانند روایتی که در آن، پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید:

أَنْتَ الطَّرِيقُ الْوَاضِحُ، وَ أَنْتَ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ (صدوق، ۱۴۱۷ ق، ص ۳۸۳، الطبری، ص ۵۴؛ حسکانی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱ ص ۷۶).

تو راه روشنی و تو، راه راستی.

همچنین در «زیارت جامعه» مروی از امام هادی علیه السلام در توصیف اهل بیت علیهم السلام آمده:

أَنْتُمْ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ (شیخ طوسی، ۱۴۰۱ ق، ج ۶ ص ۹۷، صدوق، ۱۴۰۴ ق، ج ۲ ص ۶۱۳).

شما راست‌ترین راه هستید.

و نیز در روایت دیگر از امام باقر علیه السلام نقل شده:

هُمُ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ، هُمُ السَّبِيلُ الْأَقْوَمُ (حلی، ۱۴۱۳ق، ص ۳۱۹، فیرات کوفی، ۱۴۱۰ق).

آنان، راه راست هستند. آنان، راه استوارند.

در این گونه روایات، اهل بیت علیهم السلام به دلیل این که تجسم راه روشن هدایت و الگوی عینی برنامه‌های متزقی اسلام هستند، راه راست و طریق واضح نامیده شده‌اند.

۴-۵. توصیه به انتخاب راه روشن

دسته چهارم، روایاتی است که به مسلمانان توصیه می‌کنند در زندگی، راه روشنی را که خداوند سبحان به آنها ارائه کرده است، انتخاب کنند؛ مانند آنچه در نهج البلاغه آمده:

رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً رَكَبَ الطَّرِيقَةَ الْغَرَاءَ وَ لَزِمَ الْمَحْجَةَ الْبَيْضَاءَ (سید رضی، ۱۳۹۵ق، الخطبة ۷۶).

رحمت خدا بر مردی که راه آشکار، در پیش گرفت و در مسیری روشن، حرکت کرد.

۵-۵. فواید انتخاب راه روشن و خطر انحراف از آن

دسته پنجم از روایات، آثار و برکات انتخاب راه روشن را بیان کرده‌اند و نسبت به خطر انحراف از آن، هشدار داده‌اند. از امام علی علیه السلام در این باره نقل شده که فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ سَلَكَ الطَّرِيقَ الْوَاضِحَ وَرَدَّ الْمَاءَ، وَ مَنْ خَالَفَ وَقَعَ فِي التِّيهِ! (سید رضی، ۱۳۹۵ق، خطبه ۲۰۱، ابراهیم بن محمد تقفی، ۱۳۹۵ق، ج ۲ ص ۵۸۴، مجلسی ۱۴۰۳ق، ج ۷۰ ص ۱۰۷).

ای مردم! هر کس راه روشن را ببیماید، به آب می‌رسد (هدایت می‌یابد)، و هر کس بر خلاف آن ره سپارد، در بیابان [گمراهی] می‌افتد.

این سخن، اشاره به این معناست که هر کس در زندگی، راه روشنی را که انبیای الهی ارائه کرده‌اند، انتخاب کند، به مقصد می‌رسد و کامیاب می‌گردد، و اگر کسی راه دیگری را در پیش گیرد، در بیابان افکار و عقاید باطل و منحرف، سرگردان خواهد شد.

و نیز خطاب به کامل می‌فرماید:

يَا كَمِيلُ! إِنَّهُ مُسْتَقَرٌّ وَ مُسْتَوْدَعٌ، فَاحْذَرِ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْمُسْتَوْدَعِينَ، وَ إِنَّمَا يَسْتَحِقُّ أَنْ يَكُونَ مُسْتَقَرًّا إِذَا لَزِمْتَ الْجَادَّةَ الْوَاضِحَةَ الَّتِي لَا تُخْرِجُكَ إِلَى عَوَجٍ وَ لَا تُزِيلُكَ عَنِ

مَنْهَج (ابن شعبه الحزّانی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۷۴، ۱۳۸۳، ص ۲۸، مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۷ ص ۲۷۲).

ای کمیل! [ایمان]، استوار و عاریتی دارد. پس هش دار که از عاریت‌داران نباشی. ایمان، آن گاه استوار می‌شود که پیوسته، راه روشن را بیویی؛ راهی که تو را به کژی نکشاند و از راهت به در نبرد.

مفاد این کلام نورانی، این است که شرط پایداری ایمان، حرکت در راه روشنی است که اهل بیت علیهم‌السلام ارائه کرده‌اند و انحراف از این راه، خطر ناپایداری ایمان را در پی خواهد داشت.

و در سخنی دیگر از ایشان آمده:

إِعْمَلُوا زَجَمَكُمُ اللَّهُ عَلَى أَعْلَامٍ بَيِّنَةٍ؛ فَالطَّرِيقُ نَهْجٌ، يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ (محمّدی ری شهری، ۱۳۸۵ش، ج ۱۱ ص ۱۹۵).

خدایان رحمت کند، بر طبق نشانه‌هایی آشکار، عمل کنید؛ زیرا که راه روشن است و شما را به سرای سلامت، فرا می‌خواند.

بر پایه این سخن، انتخاب راه روشن زندگی، انسان را به سرای سلامت مطلق - که همان بهشت جاوید است - می‌رساند و انحراف از این راه، موجب وارد شدن به دوزخ می‌گردد.

۵ - ۶. مقدمه تشخیص راه روشن

آخرین نکته این که وضوح و روشنی صراط مستقیم، بدین معنا نیست که همه کس می‌تواند آن را تشخیص دهد. بر اساس مفاد شماری از آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام، تشخیص صراط مستقیم، نیازمند تحقق دو مقدمه است:

الف - زدودن حجاب‌های معرفت

قرآن کریم، کسانی را که دل آنها دچار حجاب معرفت است (ر. ک: دانش‌نامه عقاید اسلامی: ج ۲ بخش هفتم «موانع شناخت») کوردل نامیده است:

﴿فَأَنهَآ لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَ لَكِن تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ (حج: ۴۶).﴾

در حقیقت، چشم‌ها کور نیست، بلکه [چشم] دل‌هایی که در سینه‌هاست، کور و نابیناست.

۱. النهج: الطريق المستقیم (النهاية: ج ۴، ص ۱۳۴).

همان طور که نابینای ظاهری از دیدن نور خورشید، محروم است، کوردلان نیز نمی‌توانند صراط مستقیم و راه روشن را تشخیص دهند؛ راهی که انبیا، مردم را به آن دعوت کرده‌اند. برای نمونه، یکی از موانع معرفت، تعصب است. کسی که دچار این بیماری است، می‌خواهد همه، نظریه باطل او را بی چون و چرا بپذیرند. چنین شخصی نمی‌تواند حق را هر چند بسیار روشن باشد، بپذیرد. در روایتی از امام علی علیه السلام آمده:

مَنْ كَانَ غَرَضُهُ الْبَاطِلَ لَمْ يَدِرْكَ الْحَقَّ وَ لَوْ كَانَ أَشْهَرَ مِنَ الشَّمْسِ (محمّدی ری شهری، ۱۳۸۵ ش، ج ۲ ص ۵۶۰).

آن که غرضش باطل باشد، حق را در نیابد؛ هر چند آشکارتر از خورشید باشد.

از این رو، حتی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله نیز نمی‌تواند کوردلان را به راه روشن زندگی هدایت کند:

﴿وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمَىٰ عَنِ ضَلَالَتِهِمْ﴾ (نمل: ۸۱).

و تو نمی‌توانی کوردلان را از گمراهی‌شان برهانی.

اما کسانی که از بصیرت و بینش باطنی برخوردارند، راه روشنی را که انبیا ارائه کرده‌اند، به آسانی تشخیص می‌دهند و انتخاب می‌نمایند.

برخی از روایات که روشن بودن صراط مستقیم را مطرح کرده‌اند، به این مقدمه اشاره دارند، مانند آنچه از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود:

إِنَّمَا الْبَصِيرُ مَنْ سَمِعَ فَتَفَكَّرَ، وَ نَظَرَ فَأَبْصَرَ، وَ انْتَفَعَ بِالْعِبَرِ، ثُمَّ سَلَكَ جَدَدًا وَاضِحًا يَتَجَنَّبُ فِيهِ الصَّرْعَةَ فِي الْمَهَاوِي (سیدرضی، نهج البلاغة: الخطبة ۱۵۳).

بصیر، کسی است که بشنود، در آن بیندیشد، ببیند و بینا شود و از عبرت‌ها بهره گیرد. سپس راه آشکار و روشن را در پیش گرفته، از افتادن در پرتگاه‌های آن، بپرهیزد.

ب - تلاش

پس از زدودن موانع معرفت، هر کس طالب یافتن صراط مستقیم باشد، با اندک تلاش، می‌تواند به آن دست یابد. از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود:

قَدْ وَصَحْتُ مَحَجَّةَ الْحَقِّ لِطُلَابِهَا (آمدی، ۱۳۶۰ ش، ح ۶۶۷۴).

شاه‌راه حق، برای جویندگان آن، آشکار شده است.

و بر این پایه، هر قدر تلاش جستجوگر افزون گردد، حقایق بیشتری از صراط مستقیم برای او آشکار می‌شود.

۶. وحدت

ششمین ویژگی صراط مستقیم، وحدت است. این ویژگی بدین معناست که شاهراه رسیدن به مقصد اعلاى انسانیت، یکی بیشتر نیست و از این رو، پلورالیسم یا تکثرگرایی دینی از نظر قرآن، مردود است.

۶- ۱. تعدّد ناپذیری راه راست

نخستین دلیل وحدت صراط مستقیم، این است که اصولاً راه مستقیم مقصد، بر خلاف راه‌های غیر مستقیم که می‌تواند متعدّد باشد، تعدّدناپذیر است. در روایتی آمده که پیامبر خدا ﷺ برای تبیین این معنا، خطّ مستقیمی کشید و فرمود:

هَذَا سَبِيلَ اللَّهِ مُسْتَقِيمًا.

این راه راست خداست.

سپس در سمت راست و چپ آن، خطوطی را رسم کرد و فرمود:

وَهَذِهِ السُّبُلُ لَيْسَ مِنْهَا سَبِيلٌ إِلَّا عَلَيْهِ شَيْطَانٌ يَدْعُو إِلَيْهِ.

بر سر هر یک از این راه‌ها، شیطانی است که به آن فرا می‌خواند.

سپس، آیه ۱۵۳ سوره انعام را قرائت فرمود:

﴿وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ﴾ (ابن

حنبل، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۱۹۶؛ سیوطی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۳۸۵).

این، راه مستقیم من است. از آن پیروی کنید و از راه‌های پراکنده [و انحرافی] پیروی نکنید، که شما را از طریق حق، دور می‌سازد.

پیش از این توضیح دادیم راه راستی که انسان را به مقصد اعلاى انسانیت می‌رساند، عبادت خدا و اطاعت اوامر اوست و علت نام‌گذاری اموری مانند پیشوایان دین، اسلام، کتاب خدا، و راه معرفت و محبت خدا، به صراط مستقیم، آن است که بدون آنها نمی‌توان به عبادت و اطاعت خدا دست یافت.

بنا بر این، انسان برای رسیدن به مقصد آفرینش خود، راهی جز اطاعت و بندگی خداوند سبحان ندارد، و عبادت خدا، چیزی نیست که هر کس به دلخواه آن را تفسیر کند. در روایتی از امام صادق علیه السلام هنگامی که خداوند سبحان به شیطان دستور داد که به آدم علیه السلام سجده کند، شیطان به خدا پیشنهاد داد:

يَا رَبِّ وَعَزَّتْكَ إِنِ اعْفَيْتَنِي مِنَ السُّجُودِ لَأَدَمَّ لِعِبَادَتِكَ عِبَادَةً مَا عَبَدَكَ أَحَدٌ قَطُّ
مِثْلَهَا، قَالَ اللَّهُ - جَلَّ جَلَالُهُ -: إِنِّي أَحِبُّ أَنْ أُطَاعَ مِنْ حَيْثُ أُرِيدُ.

اما خداوند متعال، این پیشنهاد را نپذیرفت و فرمود:

إِنِّي أَحِبُّ أَنْ أُطَاعَ مِنْ حَيْثُ أُرِيدُ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۳ ص ۲۵۰).

بنا بر این، اساس طرح تکثرگرایی دینی، نه تنها بی معناست؛ بلکه وسوسه‌ای شیطانی برای گمراه کردن مردم و باز داشتن آنها از حرکت در صراط مستقیم الهی است.

۶-۲. وحدت راه اصلی و تعدد راه‌های فرعی

راه خدا در قرآن کریم با دو تعبیر، بیان شده است: یکی صراط مستقیم و دیگری سبیل الله. نکته قابل توجه، این است که صراط مستقیم و یا «صراط الله» در قرآن به صورت جمع نیامده؛ ولی سبیل الله به صورت جمع آمده، مانند: «سبیلنا» (عنکبوت: ۶۹)، و «سبیل ربک» (نحل: ۶۹). این تفاوت تعبیر، می‌تواند اشاره به این معنا باشد که صراط مستقیم، یعنی راه اصلی و شاهراه رسیدن به آرمان‌های الهی است و لذا نمی‌تواند تعدد باشد؛ ولی سبیل، راه فرعی است که می‌تواند بلکه باید تعدد باشد، مشروط به این که به راه اصلی منتهی گردد.

راه اصلی که شاهراه وصول به کامیابی مطلق است، دین خدا، یعنی اسلام است که در همه دوران‌ها مردم را به اطاعت از خداوند سبحان، دعوت می‌نماید و راه‌های فرعی شریعت‌های مختلف و برنامه‌های گوناگون آنها، برای زندگی انسان است. این معنا در این حدیث شریف به روشنی بیان شده است.

عبد الله بن سلام از پیامبر خدا ﷺ پرسید: پروردگار جهان، چند دین دارد؟

پیامبر ﷺ پاسخ داد: «یک دین، [همان طور که] خدا یکی است و شریک ندارد».

عبد الله گفت: دین خدا چیست؟

پیامبر ﷺ فرمود: «دین اسلام».

عبد الله گفت: آیا همه پیامبران پیش از شما، پیرو اسلام بودند؟

فرمود: «آری».

عبد الله گفت: شریعت‌ها چگونه؟

فرمود: «شریعت‌ها مختلف بود و روش پیشینیان، گذشته است».

عبد الله بن سلام - که پاسخ‌های پیامبر ﷺ را هماهنگ با معارف دینی خود دید - ، گفت: راست گفתי ای محمد! (الاختصاص: ص ۴۴).

بنا بر این، صراط مستقیم، از یک راه اصلی و دو نوع راه فرعی، تشکیل می‌شود. راه اصلی عبارت است از اسلام که دین همه پیامبران است. نوع اول از راه‌های فرعی، شریعت هر یک از انبیاست که از شاه‌راه اسلام، منشعب می‌شود و نوع دوم از راه‌های فرعی، قوانین هر شریعت است که در محدوده آن، لازم الاجراست.

به سخن دیگر، هر یک از احکام الهی، یک راه فرعی به راه بزرگ‌تری است که شریعت، نامیده می‌شود و شریعت هر پیامبری راه فرعی از شاه‌راهی است که صراط مستقیم، نام دارد.

خداوند سبحان، در تبیین آثار و برکات پیروی از قرآن می‌فرماید:

﴿يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَ يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (مائده: ۱۶).

خداوند به برکت آن، کسانی را که از خشنودی او پیروی کنند، به راه‌های سلامت، هدایت می‌کند و به فرمان خود، از تاریکی‌ها به سوی روشنایی می‌برد و آنها را به سوی راه راست، رهبری می‌نماید.

احکام و قوانین اسلامی، همان راه‌های فرعی شریعت خاتم انبیاست که در این آیه نورانی ﴿سُبُلُ السَّلَامِ﴾، راه‌های سلامت نامیده شده است و پیروان خشنودی خداوند سبحان با بهره‌گیری از این راه‌ها، به سه هدف بلند، دست می‌یابند، اول: سلامت مادی و معنوی یا دنیوی و اخروی. دوم: خارج شدن از انواع تاریکی‌های اعتقادی، اخلاقی و عملی؛ و سوم: قرار گرفتن در صراط مستقیم و در آمدن به شاه‌راهی که به مقصد اعلائی انسانیت می‌رسد.

گفتنی است همه آیاتی که حکمی از احکام الهی را «سَبِيلُ اللَّهِ؛ راه خدا» نامیده‌اند، در واقع، تفسیر «سَبُلُ السَّلَامِ»، در آیه یاد شده هستند. مانند:

﴿قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾ (آل عمران: ۱۶۷).

در راه خدا نبرد کنید!

﴿وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾ (بقره: ۱۹۵).

و در راه خدا، انفاق کنید!

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾ (انفال: ۷۲).

کسانی که ایمان آوردند و هجرت نمودند و با اموال و جان‌های خود در راه خدا جهاد کردند!

همچنین همه روایاتی که قوانین و برنامه‌های سعادت‌آفرین اسلام را سبیل و راه خدا شمرده‌اند، تفسیر روایی آیه یاد شده محسوب می‌شوند؛ مانند آنچه در آغاز دعای ورود به ماه رمضان از امام زین العابدین علیه السلام نقل شده که می‌فرماید:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي حَبَانَا بِدِينِهِ وَاخْتَصَّنَا بِمِلَّتِهِ وَسَبَّلَنَا فِي سُبُلِ إِحْسَانِهِ لِتَسْلُكِهَا بِمَنِّهِ إِلَى رِضْوَانِهِ، حَمْدًا يَتَقَبَّلُهُ مِنَّا، وَيَرْضَى بِهِ عَنَّا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ مِنْ تِلْكَ السُّبُلِ شَهْرَهُ رَمَضَانَ، شَهْرَ الصَّيَامِ، وَشَهْرَ الْإِسْلَامِ، وَشَهْرَ الطُّهُورِ، وَشَهْرَ التَّمْحِيصِ، وَشَهْرَ الْقِيَامِ (الصَّحِيفَةُ السَّجَّادِيَّةُ: الدَّعَاءُ ٤٤).

ستایش، خدایی را که دین خود را به ما ارزانی داشت و ما را به آیین خویش (اسلام) اختصاص داد و در راه‌های احسان خود در آورد، تا با نعمتش، آن راه‌ها را به سوی خشنودی‌اش بییماییم؛ ستایشی که از ما بپذیرد و به وسیله آن از ما خشنود گردد. ستایش، خدایی را که ماه خود، رمضان را یکی از راه‌ها [ی رسیدن به رضوان خویش]، ماه روزه و ماه تسلیم شدن و ماه پاکیزگی و ماه تصفیه و ماه قیام [به عبادت و شب زنده داری] قرار داد.

می‌توان گفت: کلمه «دین» در جمله «حبابنا بدینه»، اشاره به صراط مستقیم الهی در همه ادیان، یعنی اسلام است و می‌توان واژه «دین» و «ملت» را که در جملات نخستین این بخش از دعا آمده است، ناظر به صراط مستقیم الهی و شریعت متصل به آن دانست.

دلیل آن که دین به اعتبار آیه ۱۹ آل عمران: ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾ چیزی جز تسلیم بودن در برابر حق و اسلام به عنوان کامل‌ترین دین الهی نیست و «ملت» نیز به دلیل آیه ۱۶۱ انعام: ﴿دِينًا قِيمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا﴾، همان آیین پا بر جای ابراهیم حنیف است. کلمه «ملّة» در «وَ اخْتَصَّنَا بِمِلَّتِهِ» نیز اشاره به شریعت اسلام به عنوان آیین پیامبر خاتم است: ﴿دِينًا قِيمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا﴾ (انعام: ۱۶۱).^۱

و عبارت «سُبُلِ إِحْسَانِهِ» راه‌های احسان او، به راه‌های فرعی شریعت اسلام به صراط مستقیم الهی، یعنی احکام و برنامه‌های این آیین، اشاره دارد که یکی از آنها، روزه‌داری ماه رمضان است. در روایات دیگری نیز، دستور العمل‌ها و احکام دینی به عنوان راه‌های رسیدن به خداوند سبحان، مطرح شده‌اند؛ مانند آنچه از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود:

۱. آیین پابرجا و ضامن سعادت دین و دنیا، آیین ابراهیم حق گرا.

مِنْ أَحَبِّ السُّبُلِ إِلَى اللَّهِ جُرْعَتَانِ: جُرْعَةٌ غَيِظٌ تَوَدُّهَا بِحِلْمٍ، وَجُرْعَةٌ حُزْنٌ تَوَدُّهَا بِصَبْرٍ.

وَمِنْ أَحَبِّ السُّبُلِ إِلَى اللَّهِ قَطْرَتَانِ: قَطْرَةٌ دُمُوعٌ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ، وَقَطْرَةٌ دَمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. وَمِنْ أَحَبِّ السُّبُلِ إِلَى اللَّهِ خُطْوَتَانِ: خُطْوَةٌ أَمْرِيٍّ مُسْلِمٍ يَشُدُّ بِهَا صَفًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَخُطْوَةٌ فِي صَلَاةِ الرَّحِمِ. (ابن شعبة الحزاني، ۱۴۱۶ق، ص ۲۱۹).

از محبوبترین راهها نزد خداوند، دو جرعه است: جرعه خشمی که با بردباری آن را پس می‌زنی و جرعه غمی که با صبر، آن را باز گردانی. و از محبوبترین راهها نزد خداوند، دو قطره است: قطره اشکی که در دل شب، فرو می‌چکد و قطره خونی که در راه خدا به زمین می‌ریزد. و از محبوبترین گام‌ها در راه خدا، دو گام است: گامی که مرد مسلمان با آن [در جنگ] صفی را در راه خدا استوار می‌کند و گامی که برای صلهٔ رجم برداشته می‌شود.

در این حدیث شریف، شش دستور العمل مهم اخلاقی و عملی اسلام، یعنی: بردباری شکیبایی، گریه در دل شب، خون دادن در راه خدا، تلاش برای پُر کردن صفوف جبههٔ پیکار با دشمنان اسلام، و صلهٔ رحم، از محبوبترین راههای خدا، یعنی راههای رسیدن به آرمان‌های الهی معرفی شده است.

همچنین ضمن یکی از دعاهای امام زین العابدین علیه السلام آمده:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَفَرِّغْ قَلْبِي لِمَحَبَّتِكَ وَاشْغَلْهُ بِذِكْرِكَ وَانْعَشْهُ بِخَوْفِكَ وَبِالْوَجَلِ مِنْكَ وَقَوِّهِ بِالرَّغْبَةِ إِلَيْكَ وَامَلُهُ إِلَى طَاعَتِكَ وَاجْرِبْهُ فِي أَحَبِّ السُّبُلِ إِلَيْكَ (الصحيفة السجادية: الدعاء ۲۱).

بار خدایا! بر محمد و خاندانش درود بفرست و دلم را از هر محبتی تهی گردان تا تنها جای محبت تو باشد، و به یاد خود مشغول دار و از بیم خود توانگر نمای و رغبت آن را به خود برانگیز و به طاعت خود، گرایش ده و بدان راه که بیشترش دوست داری روان بدار و چنان کن که تا زنده‌ام، مقهور رغبت به چیزی باشد که در نزد توست.

بنا بر این، از منظر قرآن و احادیث اسلامی، مقصد اعلائی انسانیت، سه نوع راه به هم پیوسته دارد:

اول، راه اصلی که صراط مستقیم نامیده می‌شود.

دوم، راههای فرعی صراط مستقیم که شریعت پیامبران نامیده می‌گردد.

سوم، راههای فرعی شریعت که احکام و برنامه‌های آن است.

امید آن که همیشه در صراط مستقیم الهی بمانیم و بپاییم.

نتیجه‌گیری

صراط مستقیم، همان راه بندگی خداست و از این رو، همه ویژگی‌های عبادت به معنای عام آن را دارد. مهم‌ترین این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: مطابقت با موازین عقلی و علمی، تطابق با حق، اعتدال، وسعت، وضوح و وحدت. همه این ویژگی‌ها در قرآن و روایات، مورد تصریح یا اشاره قرار گرفته است و راه‌های دستیابی به صراط نیز نشان داده شده است. در اصطلاح قرآنی، سییل و شریعت، راه‌های فرعی منتهی به صراط یگانه و مستقیم الهی است و از این رو، می‌توانند متعدد باشند و یا در آیین‌ها و دین‌های متنوع، جلوه‌گر شوند.

کتاب نامه

- قرآن کریم
- ابن حنبل، أحمد، مسند ابن حنبل، ۱۴۱۱ق، بیروت، دار الفکر.
- ابن شعبه الحزّانی، حسن بن علی، تحف العقول، ۱۴۱۶ق، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- الأمدی، عبد الواحد بن محمّد، غرر الحکم، ۱۳۶۰ش، تهران، دانشگاه تهران.
- الثقفی، ابراهیم بن محمّد، الغارات، ۱۳۹۵ق، تهران، انجمن آثار ملی.
- الحسکانی، عبید الله بن عبد الله، شواهد التنزیل، ۱۴۱۰ق، تهران، وزارت ارشاد.
- الخزّاز القمی، علی بن محمّد، کفایة الأثر، ۱۴۰۱ق، قم، انتشارات بیدار.
- الديلمی، شهردار بن شیرویه بن شهردار، الفردوس، ۱۴۰۶ق، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- السیّد الرضی، محمّد بن حسن، نهج البلاغة، ۱۳۹۵ق، قم، هجرت.
- السیوطی، عبد الرحمان بن أبی بکر، الدرّ المنثور، ۱۴۰۳ق، بیروت، دار الفکر.
- الصدوق، محمد بن علی، الأمالی، ۱۴۱۷ق، قم، مؤسسه البعثة.
- _____، عیون أخبار الرضا عليه السلام، ۱۴۰۴ق، تهران، انتشارات جهان .
- _____، کتاب من لا یحضره الفقیه، ۱۴۰۴ق، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- _____، کمال الدین، ۱۴۰۵ق، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- _____، معانی الأخبار، ۱۳۶۱ش، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- الطوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الأحکام، ۱۴۰۱ق، بیروت، دار التعارف.
- الكلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۱۳۶۵ش، تهران، دار الکتب الاسلامیة.
- المفید، محمّد بن محمّد، الأمالی، ۱۴۱۵ق، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- الطبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری، ۱۴۱۷ق، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- الطبری، محمّد بن جریر بن رستم، المسترشد، ۱۴۱۵ق، قم، مؤسسه الثقافة الإسلامیة.
- الطبری، محمّد بن علی، بشارة المصطفی، ۱۳۸۳ق، نجف، المكتبة الحیدریة.
- الحلّی، الحسن بن یوسف، كشف الیقین، ۱۴۱۳ق، قم، مجمع إحياء الثقافة الإسلامیة.
- المجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، ۱۴۰۳ق، تهران، المكتبة الإسلامیة.
- العیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران، المكتبة العلمیة.

- المشهدى، محمد بن جعفر، المزار الكبير، ١٤١٩، قم، قیوم .
- الموصلى، ابو يعلى، احمد بن على، مسند أبى يعلى، ١٤٠٨ق، بيروت، جدة، دار القبله.
- الإمام زين العابدين عليه السلام، الصحيفة السجادية، دمشق، المستشارية الثقافية الإيرانية بدمشق.
- النعمانى، محمد بن ابراهيم، الغيبة، ١٤٢٢ق، تهران، مكتبة الصدوق.
- الهندى، على المتقى بن حسام الدين، كنز العمال، ١٤٠٩ق، حلب، مكتبة التراث الاسلامى.
- خليل الجبر، فرهنگ لاروس، ١٣٧٥ ش، تهران، انتشارات اميركبير.
- رضى الدين، على بن يوسف، العدد القوية، ١٤٠٨ق، قم، مكتبة آية الله المرعشى.
- فرات الكوفى، فرات بن ابراهيم، تفسير فرات، ١٤١٠، تهران، وزارت ارشاد.
- البخارى، محمد بن اسماعيل، صحيح البخارى، ١٤١٠، بيروت، دار ابن كثير.
- محمدى رى شهرى، محمد، دانش نامه امام حسين، ١٣٨٨ ش، قم، دار الحديث.
- _____، دانش نامه عقايد اسلامى، ١٣٨٥ ش، قم، دار الحديث.
- _____، ميزان الحكمة، ١٣٨٥ ش، قم، دار الحديث.